

قرن چهاردهم و مرگ سیاه

نوشته‌اند شاید ۱۵ درصد مردم دنیا قربانی مرگ سیاه شده باشند که در صورت پذیرش این تخمین حداقل ۷۵ میلیون نفر در آن دوره جان باختند.



نوشته اند شاید ۱۵ درصد مردم دنیا قربانی مرگ سیاه شده باشند که در صورت پذیرش این تخمین حداقل ۷۵ میلیون نفر در آن دوره جان باختند.

به گزارش ایسنا، روزنامه **اعتماد** نوشت: «این پرسش که مرگ سیاه در نیمه قرن چهاردهم میلادی جان چند نفر از مردم دنیا را گرفت، پرسشی است که پاسخ دقیقی ندارد. نویسندگان ایتالیایی، جووانی بوکاچو که همان دوره زندگی می کرد (در کتاب «دکامرون») می نویسند که زمانه بدی بود؛ چنان که «برادر از برادر، عمو از برادرزاده و خواهر از برادر دوری می جست و بسیار پیش می آمد که زن، شوهر را ترک کند. اتفاق تقریباً باورنکردنی آن که پدران و مادران از دیدار و مراقبت از فرزندان بیمار خود گریزان بودند، گویا هیچ گاه با آنها پیوندی نداشته اند.»

این بیماری همه گیر را مرگ سیاه نامیدند زیرا هیچکدام از مردم و حتی پزشکان آن روزگار نمی دانستند با چه بلایی سروکار دارند و واقعا چه اتفاقی روی داده است. چهل به خرافه ها دامن می زد و افسانه ها یکی پس از دیگری خلق می شدند. باربارا تاکمن می نویسد: «اسکاندیناوی ها معتقد بودند که دوشیزه طاعون از دهان مردگان به شکل شعله ای آبی رنگ پدیدار می شود و در هوا به پرواز درمی آید تا خانه های آن حوالی را آلوده و مبتلا کند. در لیتوانی مردم بر این باور بودند که این دوشیزه شال قرمزی را از میان در یا پنجره تکان می دهد تا طاعون را وارد آنجا کند. در افسانه ها آمده است که مردی شجاع در کنار پنجره باز خانه اش با شمشیری از غلاف بیرون کشیده به انتظار نشست و همین که شال تکان خورد، آن دست را قطع کرد. او جانفش را در این راه فدا کرد اما دهکده اش نجات یافت و آن شال تا مدت ها در کلیسای محلی نگهداری می شد.»

انگلیسی ها نیز مثل - و شاید بیشتر از - دیگر اروپاییان با مرگ و میر ناشی از طاعون مواجه شدند و در دوره همه گیری، در آن سرزمین هر روز عده زیادی می مردند. مثلاً چنین روزی از سال ۱۳۴۹ بیشتر از ۲۰۰ جسد را پشت چند گاری ریختند، به حاشیه شهر لندن بردند و در گوری دسته جمعی ریختند و خاک کردند. کشیشی از اهالی آنجا نوشت: «خداوند نسبت به بندگان شست گریز است و همه چیز به اراده اوست. او آنها را که دوست می دارد توبیخ و تنبیه می کند. به دیگر سخن او آنها را به سبب اعمال شرم آورشان به شیوه های مختلف در طول این حیات فانی شان مجازات می کند تا شاید از مجازات ابدی رهایی یابند. او هر از گاهی طاعون، قحطی های محنت بار، درگیری ها، جنگ ها و مصیبت های دیگر را نازل می کند تا از این طریق به بندگان هشدار و در رنج قرارشان دهد تا گناهان شان پاک شود. به راستی که سرزمین انگلستان به سبب غرور و فساد روزافزون مردمانش و گناهان بی شمارشان ... با طاعون مجازات شد.»

فقط برخی کشیش ها چنین باوری نداشتند. مردم عادی که هر روز با مرگ چشم درچشم می شدند نیز فکر می کردند تاوان گناهانشان را پس می دهند. نوشته اند شاید ۱۵ درصد مردم دنیا قربانی مرگ سیاه شده باشند که در صورت پذیرش این تخمین حداقل ۷۵ میلیون نفر در آن دوره جان باختند.

اوتو فریدریش در کتاب «پایان جهان» می نویسد: «رویدادنامه های قرن چهاردهم تصویری به دست می دهند از کلیه های متروکه که در حال ویران شدن بودند و مزارع کشت نشده گندم که داشتند به برهوت بدل می شدند. هزاران دهکده در سراسر اروپا در یک چشم برهم زدن ناپدید شدند. بقایای دفن شده کمابیش در تصاویر هوایی به چشم می خورد، نماهای کلی شبیه مانند مردمان ازبین رفته و فقط در انگلستان بیش از دو هزار مورد از این ویرانه ها ثبت شده است. حتی در زبان آلمانی برای دهکده هایی که متروکه می شوند، واژه Dorfwüstungen را به کار می برند. خالی شدن شهرها از جمعیت هم اهمیتش کمتر از این نیست. دست کم دو قرن طول کشید تا جمعیت شهرها و دیگر مناطق به اندازه سال ۱۳۰۰ شود.»